

حمایت از تولید آمریکایی؟

درباره محدودیت تردد دیپلمات‌های ایرانی در نیویورک



ریکارد سختگیرانه ایالات متحده به صدور روادید سفر برای اتباع بیگانه بُعد جدیدی یافته است. بر اساس اخبار، این سختگیری اجلاسبه سالبانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به این ترتیب که دولت ایالات متحده، پس از تصمیم به عدم صدور ویزا برای محمود عباس (رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین)، از احتمال محدودیت ویزای هیئت‌های دیپلماتیک برزیل، زیمبابوه، سودان و ایران در اجلاسبه هشتادم مجمع عمومی (که از ۲۳ سپتامبر سال جاری میلادی آغاز می‌شود) سخن گفته است. لیکن محدودیت فوق در مورد هیئت ایرانی اندکی متفاوت است. وزارت خارجه ایالات متحده مدعی است اعضای هیئت ایرانی که با هدف شرکت در اجلاسبه سالانه مجمع عمومی به نیویورک می‌آیند از مشتریان پر و پا قرص فروشگاه‌های زنجیره‌ای عمده‌فروشی کاسکو (Costco) و س‌م‌ز کلاب (Sam's Club) در نیویورک هستند، و اجناسی که به واسطه تحریم‌ها به ایران صادر نمی‌شوند را شخصاً خریده، و با خود به ایران منتقل می‌کنند. اکنون دولت آمریکا در صدد است با اعمال محدودیت تردد این امکان را از هیئت ایرانی سلب نماید.

سازمان ملل متحد در چهار قاره از جهان بیش از بیست دفتر دارد. اما مقر اصلی (Headquarter) آن در شهر نیویورک (مایین خیابان‌های ۴۲ و ۴۸ از ناحیه ایست ریور منهتن) واقع شده است؛ ساختمانی سی و نه طبقه که به سال ۱۹۴۶ توسط جان دیویدسن راکیفلر (به ارزش تقریبی هشت و نیم میلیون دلار) به این سازمان بین‌المللی تازه تأسیس اهدا شد، تا آ‌مان‌های ملل متحد را تحقق ببخشد. ورود به دفتر اصلی سازمان ملل متحد مستلزم ورود به خاک ایالات متحده بوده، و این سازمان به منظور تحقق اهداف عالی خود نیازمند حضور فیزیکی مقامات دولت‌ها است. به این ترتیب، متعاقب آغاز فعالیت‌های سازمان ملل متحد تدابیری چند بدین منظور در حقوق بین‌الملل مورد پیش‌بینی قرار گرفت. قاعده حقوقی اصلی در این زمینه ذیل ماده ۳ (بخش ۸) از موافقتنامه مقر میان دولت ایالات متحده و سازمان ملل متحد (۱۹۴۷) (موسوم به موافقتنامه مقر) آمده، که وفق آن دولت میزبان مجاز نیست در چارچوب وضع و اجرای قوانین و مقررات فدرال و محلی در ناحیه مقر (Headquarters Distric) از انجام

ادامه از صفحه اول

برخی چهره‌های راست (مانند محسن رضایی) نیز با «قرار به‌جلو» قصد داشتند ایران را دوباره وارد جنگی دیگر، این بار بزرگتر کنند که به نظر آنان جنگی ناگزیر و نبردی نهایی بود. با همین منطق (یعنی صیانت از امنیت ملی) پرونده هسته‌ای ایران در آغاز دهه ۸۰ به‌شورای عالی امنیت‌ملی سپرده‌شد و پس از دوسال مذاکره با حضور وزرای سه کشور اروپایی در تهران، زمینه اولین توافق هسته‌ای فراهم شد که متأسفانه با ورود محمود احمدی‌نژاد به نهاد ریاست‌جمهوری از دست رفت و ایران وارد چرخه‌ای از قطعنامه‌های بین‌المللی شد که رئیس وقت دولت ایران آن‌ها را «کاغذپاره» خواند و ما هنوز پس از دوده‌ه اسیر این ورق‌پاره‌ها هستیم. از آن پس، قوه‌خلاقه شورای عالی امنیت‌ملی در ایران رو به زوال رفت و پس از یک دوره کوتاه دبیری علی لاریجانی (که به سبب دخالت‌های محمود احمدی‌نژاد ناتمام ماند) این نهاد عملاً اسیر دست رادیکال‌ترین نیروهای سیاسی شد که نسبتی با مصلحت‌ملی و عقلانیت‌ملی و منفعت‌ملی نداشتند و به جز مواردی مانند حوادث سال۱۳۸۸ (در سیاست داخلی) بی‌تدبیری خود در سیاست خارجی را در پرونده هسته‌ای نیز نشان دادند و ایران ادل فصل۷ منشور ملل متحد قمار گرفت. کار به جایی رسید که چهره اصلی این جریان در چند انتخابات نتوانست رای مردم را به دست آورد و اتفاقاً جریان مقابل پیروز شد؛ اما حتی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم فقط رئیس‌جمهور به‌عنوان «رئیس» شورای عالی امنیت‌ملی توانست پرونده هسته‌ای را به‌سوی صلح و توافق هدایت کند و متأسفانه دبیرخانه احیا نشد و به همین علت، پرونده به وزارت امورخارجه سپرده‌شد.

ایک که پس از دو دهه آب به سر چشمه بازگشته است و دبیرخانه شورای عالی امنیت‌ملی به نقطه وفاق ملی بدل شده است، احیای این نهاد تنها و تنها با تمرکز امر ملی در شورای عالی امنیت‌ملی ممکن است و برای عبور از سایه جنگی نابرابر و ناعادلانه که بر ایران تحمیل شد، جا دارد شورای عالی امنیت‌ملی را با واگذاری پرونده هسته‌ای و بالاتر از آن در مسئله مذاکرات جامع سیاسی تقویت کرد. این واپسین فرصت برای دبیر جدید شورای عالی امنیت‌ملی ایران است که در بزرگ‌ها تاریخ در مقام یک سیاستمدار و دیپلمات ملی به مهمترین دغدغه‌ه ملت دربارۀ آینده جنگ و صلح در ایران پاسخ دهد و برای این کار، علی لاریجانی به تمرکز تصمیم‌گیری در نهاد امنیت‌ملی نیاز دارد. بدون این تمرکز، دبیرخانه به نهادهی اداری فرو کاسته می‌شود که حتی منطق انتخاب علی لاریجانی را زیر سوال می‌برد و با پراکندگی و موازی‌کاری فرصت و جرأت ابتکار عمل را از دیپلمات‌های کشور می‌گیرد. در واقع، تغییر دبیر شورای عالی امنیت‌ملی در دولت قبل و این دولت واجد معنایی بوده است که پس از جنگ اخیر هم این معنا تشدید شده است. تهی کردن این تغییر از معنا با ماندن پرونده در وضع سابق نقض غرض است. بقیای پرونده هسته‌ای در دست دبیر اسبق شورای عالی امنیت‌ملی، حتی به ضرر مذاکره‌کننده ارشد

وظایف ذاتی سازمان ملل متحد ممانعت به عمل آورد. در عین حال، منشور ملل متحد (۱۹۴۵) در ماده ۱۰۵، و کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد (۱۹۴۶) در ماده ۴ با تأکید بر کلیدواژه «ایفای وظایف شغلی» حقوق نمایندگان دیپلماتیک را برآمده از این مفهوم دانسته، و بدین ترتیب آنچه پیوند ذاتی با این مهم ندارد (همانند خرید از فروشگاه‌های آمریکایی) را نمی‌توان در شمار حقوق این اشخاص برشمرد. آستانه قاعده حقوقی مندرج در موافقتنامه مقر تا نقش‌آفرینی دیپلماتیک نمایندگان دولت‌ها است و ایالات متحده به ایجاد و تسهیل سازکار خرید آن‌ها به منظور رفع حواج شخصی متعهد نیست. در نتیجه خرید (ادعاشده) از فروشگاه‌های آمریکایی کمترین ارتباطی با ایفای وظایف دیپلماتیک هیئت ایرانی نداشته، و این اقدام آمریکا با تعهدات بین‌المللی این دولت ناسازگار نیست.

در یک نگاه کلی و فارغ از تصمیم تحدیدی آمریکا که جز یک فشار سیاسی حاشیه‌ای و بی اثر نیست، حضور سالانه هیئت دیپلماتیک ایران در نیویورک مدت‌ها است که دستاورد قابل ملاحظه‌ای برای کشور نداشته است. اگر گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی و مکالمه تلفنی روحانی - اوباما را کنار بگذاریم، سفرهای سالانه به نیویورک در پرتو هزینه‌ای که ملت برای سفر منتخب خود (و همراهان او) پرداخت می‌کند اگر همچون شیرین کاری‌های احمدی‌نژاد خسارت محض نباشد، گرهی از کار ملت باز نمی‌کنند. اگر بنا به قرائت یک بیانیۀ دیپلماتیک تکراری در صحن مجمع عمومی، و انجام دیدارهای تشریفاتی چنددقیقه‌ای با مقامات سایر دولت‌ها باشد که سفیر فعلی ایران در نیویورک هم قادر به انجام آن‌ها است، و حضور (با عدم حضور) شخص دوم کشور در این اجلاسبه از باب انتفاع مردم ایران تفاوتی ندارد. البته این سفرها - اگر برای مردم رهاوردی نداشته - برای بعضی همراهان رؤسای جمهور طی این سال‌ها از باب مجال نیویورک‌گردی و خرید اجناس آمریکایی به‌عنوان سوغاتی برای خانواده و بستگان لایذیر بوده است. این در حالی است که حضور هم‌زمان مقامات عالی دولت‌های جهان در یک ساختمان رویداد کمی نبوده، و فرصتی کم‌نظیر برای روزنه‌گشایی و مقابله با چالش‌های بین‌المللی محسوب می‌شود؛ و دولتمردان خردمند از این فرصت سالانه در راستای تحقق منافع ملی خود نهایت استفاده را می‌برند. در شرایطی که چشم‌انداز مشخصی از تغییر در سیاست خارجی کشور وجود ندارد، سفرهای این چنین از باب هزینه و زمانی که از رئیس‌جمهور می‌گیرند قابل توجیه نخواهند بود.

سیاست خارجی ایران سیدعباس عراقچی است؛ چراکه آن نهادی که می‌تواند میان نظامیان و دیپلمات‌ها، انقلابیون و سیاسیون، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، رهبری و رئیس‌جمهوری و در نهایت میان حاکمیت و ملت اجماع ایجاد کند، طبق قانون اساسی شورای عالی امنیت‌ملی است. هدف‌گیری این شورا از سوی اسرانیل در جریان جنگ اخیر هم نشان‌دهنده اهمیت آن و این نکته است که در شرایط جنگی و شبه‌جنگی، این قوه عاقله است که چه برای صلح و چه برای دفاع باید کشور را اداره کند. بدیهی است نقش رئیس‌جمهور و سپس سران قوای دیگر در این اعاده ماموریت کلیدی است و رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیت‌ملی باید بداند که اگر روزی به علت ضعف نهاد امنیت ملی ضرورت داشت این پرونده به وزارت امور خارجه محول شود. اکنون زمان بازگشت به دوره‌ای است که دبیر شورای عالی امنیت‌ملی به‌عنوان وزیر امنیت‌ملی کشور عمل می‌کرد و نماینده کل نظام و کل حاکمیت بود. شورایی که بر خلاف هیئت دولت جامع نیروهای نظامی و سیاسی کشور با ریاست و محوریت رئیس‌جمهور است و در واقع، کابینه امنیتی کشور به حساب می‌آید و تنها نهادی است که در آن رئیس‌جمهور فقط رئیس قوه‌مجریه نیست و قوای لشکری هم مانند قوای کشوری در آن عضویت دارند و هم به مصوبات آن متعهدند. البته، مصوبات شورای عالی امنیت‌ملی فقط با امضای مقام رهبری اجرایی می‌شود؛ اما قاعده عرف (به‌عنوان یکی از مبانی تقنین) نشان داده است که در ۳۶ سال گذشته با وجود دو نماینده مستقیم‌رهبری (که یکی از آنان دبیر شورای عالی امنیت‌ملی است) و مقامات ماذون دیگر، رهبری به راهبردهای شورای عالی امنیت‌ملی به‌عنوان استراتژی نظام می‌نگرند و نه دیدگاه جناحی و قوه‌ای و بخشی و در همه ادوار چه در دولت‌های اصلاح‌طلب و چه در دولت‌های اصولگرا بر این عقل عقلاهی مهر تأیید گذاشته‌اند. تقویض «امر ملی» به «نهاد ملی» چه به صلح‌یابدار، بیانجامد و چه ما را ناگزیر از دفاع میهنی کند، یک ارزش راهبردی دارد و آن جمعیت‌کلیه اقدامات اصلاحی و پیشنهادهای جناحی به یک نهاد فرا جناحی و فراقوه‌ای است. وزارت دفاع به وزارت چپ‌پایم پیروزی بر دشمنان است. از جبهه اصلاحات تا جبهه پایداری و از انقلابیون تا اعتدالیون. برای «امر ملی» باید «تصمیم‌ملی» گرفت و این پیام ملت به حاکمیت در جنگ ۱۲ روزه است که ایران یک دولت دارد، با یک ملت. یکی از بدیهی‌ترین و اولین پاسخ‌ها به این مطالبه ملی عالتاً «اصلاح فرایند تصمیم‌گیری» در نهاد قدرت است و تمرکز در آن، جلوگیری از پراکندگی قواست. متأسفانه انتخابات سال ۱۴۰۲ نتوانست این تغییر را تاکنون ایجاد کند. اما یک سال پس از آن انتخابات اکنون در پایان لرزان یک جنگ میهنی دیگر این تغییر می‌تواند منجر به تحول شود. تحولی که از تغییر در (فره) دبیر شورای عالی امنیت‌ملی شروع شده است و باید به تحول در «نهاد» امنیت‌ملی ایران بیانجامد؛ درغیراین صورت، تغییر فرد هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.

تیتریک HEADLINE ONE

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

واکنش‌ها به تصویب طرح ارتش برای خلع سلاح حزب الله

لبنان یک گام به درگیری داخلی نزدیک‌تر می‌شود

بی‌اثر خواهد بود، زیرا معایر با نظام تقسیم قدرت فرقه‌ای لبنان تلقی می‌شود. غالب ابوزینب، عضو شورای سیاسی حزب‌الله نیز در مصاحبه‌ای با الجزیره گفت: «همه وزرای ما در اعتراض به اصرار دولت بر بحث درباره طرح انحصار سلاح، از جلسه هیئت وزیران خارج شدند. خروج وزرای احزاب دوگانه شیعه از جلسه دولت به این معنی است که لبنان با یک معضل سیاسی بسیار خطرناک روبه‌رو است. رئیس‌جمهور ونخست‌وزیر، مسئولیت اصلی آنچه در جلسه هیئت وزیران رخ داد را بر عهده دارند.»

عضو ارشد شورای سیاسی حزب الله خاطرنشان کرد: «ما حق داریم به خیابان برویم یا از دولت استعفا دهیم و در حال حاضر همه گزینه‌های مناسب برای اقدام آینده را بررسی می‌کنیم. گام بعدی شیعیان بر اساس تحولات و نتایج مربوط به جلسه دولت تعیین خواهد شد. قضاوت در مورد موضع ارتش لبنان در قبال بحران خلع سلاح زود است و ما بعداً طرحی را که ارائه کرده است، ارزیابی خواهیم کرد.»

❖ شکاف در جامعه لبنان برای سلاح مقاومت

با توجه به ماهیت طایفه‌ای و مذهبی لبنان، مسئله خلع سلاح به صورت خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد. چراکه سابقه جنگ‌های داخلی پیشین در لبنان نشان می‌دهد بروز اختلاف میان طوایف و سه گروه مذهبی شیعه، سنی و مسیحی (مارونی) نقش مهمی در زبانه کشیدن آتش بحران‌ها داشته است. عبداللطیف دریان، مفتی اهل سنت لبنان در پیامی که به مناسبت میلاد حضرت رسول (ص) منتشر کرد، به موضوع خلع سلاح روی خوش نشان داد و گفت این کاری بود که سال‌ها پیش باید انجام می‌شد. او خلع سلاح را مطالبه‌ای اصیل و لبنانی نامید.

چندی پیش بشاره پطرس الراعی، رهبر مسیحیان مارونی لبنان در اظهاراتی مشابه اما تندتر، نوک پیکان را به سمت ایران گرفت. او گفت: «شیعیان نیز از جنگ خسته شده‌اند و می‌خواهند در صلح و سلامت زندگی کنند.» سخنانی که با واکنش شیخ احمد قیابان، روحانی سرشناس شیعه مواجه شد. او گفت: «سلاح حزب‌الله و حرکت امل سلاح خداوند است و انشا‌الله هیچ قدرتی روی زمین قادر به خلع این سلاح نیست.» او همچنین در جواب پطرس راعی که مدعی خسته شدن شیعیان شده بود، گفت: «شیعیان از تسلیم شدن، خیانت و شهادت‌های دروغ خسته شده‌اند و اگر در لبنان، طایفه‌ای باشد که مشتاق نثار خون، بهترین جوانان و بزرگ‌ترین امکاناتش در راه این وطن عزیز باشد، آن طایفه شیعه است؛ بلکه طایفه مقاومت است با همه طیف‌ها و چهره‌هایش.» کشیده شدن بحران به این نقطه و درگیری لفظی مقامات دینی، هشدارها درباره وقوع درگیری میان طوایف را افزایش داده است.

مرکز کارنگی در تحلیل این شرایط نوشت: «سفر توماس باراک، فرستاده

گروه خبر: تصویب طرح ارتش لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله در کابینه این کشور، داغ‌ترین پرونده سیاسی-امنیتی این روزهای لبنان را وارد مرحله جدیدی کرد. هیئت وزیران لبنان، طرح اجرایی ارائه شده از سوی ارتش برای انحصار سلاح در دست نیروهای مسلح یا خلع سلاح حزب‌الله را تصویب و از آن استقبال کرد که با محکومیت این اقدام از سوی جریان‌های هوادار مقاومت روبه‌رو شد. جلسه هیئت دولت لبنان در حالی تشکیل شد که وزیران وابسته به جنبش «امل» و «حزب‌الله» لبنان همراه با یکی از وزرای غیر حزبی شیعه، به نشانه اعتراض به بررسی این طرح جلسه را ترک کردند. خبرنگار شبکه خبری المنار گزارش داد که ترک جلسه از سوی وزرای حزب‌الله و امل به دلیل اصرار دولت در مورد طرح ارتش برای آنچه انحصار سلاح نامیده می‌شود، انجام شده است. رسانه‌های لبنانی، جلسه‌روز جمعه‌را تنش‌آمیز خواندند.

❖ تأکید بر خلع سلاح مقاومت و انتقاد از اسرائیل

پل مرقص، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان، شامگاه جمعه در یک کنفرانس مطبوعاتی، با اشاره به ارائه طرح انحصار سلاح در دست دولت فرمانده ارتش لبنان گفت: «دولت به توضیحات ژنرال رودولف هیکل فرمانده ارتش درباره طرح انحصار سلاح در دست دولت گوش داد و از این طرح استقبال کرد. هیئت دولت تصمیم گرفت که محتوای طرح ارتش و مباحث مربوط به آن مجرمانه باقی بماند و فرماندهی ارتش نیز به‌صورت ماهانه گزارشی از پیشرفت این طرح را به هیئت دولت ارائه دهد. لبنان بر تحقق امنیت وثبات در مرزهای جنوبی و گسترش حاکمیت دولت بر تمامی خاک خود با استفاده از قدرت درونی، پایبند است و بر اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ به عنوان چارچوب قانونی تضمین‌کننده حفاظت از حاکمیت لبنان و جلوگیری از تجاوزات مکرر رژیم صهیونیستی تأکید می‌کند.»

او ادامه داد با بیان اینکه هرگونه پیشرفتی در اجرای مفاد سند آمریکایی به طرف‌های دیگر به‌ویژه اسرائیل، بستگی دارد، افزود: «دولت لبنان اهداف سند آمریکایی را تصویب کرد و لبنان طرح آن را آماده کرد، اما اسرائیل هیچ تعهدی نشان نداده است.» وزیر اطلاع‌رسانی لبنان با تأکید بر این که ارتش لبنان اجرای طرح گسترش حاکمیت دولت را بر اساس منابع موجود و محدود آغاز خواهد کرد، گفت: «ارتش حق دارد در اجرای طرح خود، بر اساس وضعیت عملیاتی، اختیار عمل داشته باشد و این ممکن است به زمان بیشتری نیاز داشته باشد.»

پس از این اعلامیه، یک منبع آمریکایی در گفت‌وگویی اعلام کرد که موضع دولت لبنان نسبتاً مثبت بود و باید تا بررسی کامل این طرح منتظر ماند.

❖ حزب‌الله واکنش به اقدام دولت را بررسی می‌کند

محمد حیرت، وزیر کار وابسته به حزب‌الله، پیش از پایان جلسه کابینه به رسانه‌ها گفته بود هر تصمیمی که در غیاب وزرای شیعه اتخاذ شود، باطل و

گروه خبر: رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با امضای یک فرمان اجرایی، نام وزارت دفاع این کشور را به وزارت جنگ تغییر داد. دونالد ترامپ که چندی پیش از این تصمیم خود خبر داده بود، با امضای این فرمان استفاده از عنوان وزارت جنگ در کنار وزارت دفاع را ابلاغ کرد. تغییر نام رسمی این وزارتخانه فقط با تأیید کنگره قابل انجام است. در حال حاضر هیچ کشوری در جهان از عنوان وزارت جنگ به صورت رسمی استفاده نمی‌کند. ترامپ در حالی نام پتانگون را به وزارت جنگ تغییر می‌دهد که همواره خود را رئیس‌جمهور صلح و پایان‌دهنده جنگ‌ها معرفی کرده و در پی نامزدی جایزه صلح نوبل نیز بوده است.

❖ پیام پیروزی بر دشمنان آمریکا

ترامپ که عصر روز جمعه به وقت محلی این فرمان اجرایی را امضا کرد، دستور داد عنوان «وزارت جنگ» به‌عنوان نام دوم وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا احیا شود. او پیش از امضا، در یک سخنرانی در دفتر خود که به‌صورت زنده پخش می‌شد، گفت: «به‌نظر من، این نام بسیار مناسب‌تر است، به‌ویژه با توجه به شرایط کنونی جهان. ما قوی‌ترین ارتش جهان را داریم. پیام تغییر نام وزارت دفاع به وزارت چپ‌پایم پیروزی بر دشمنان است. آمریکا بسیار قدرتمند است، قدرتمندتر از آنچه دیگران بتوانند واقعاً درک کنند.»

او پس از امضای این فرمان بار دیگر به موضوع حمله علیه تأسیسات هسته‌ای ایران پرداخت و گفت: «فرماندهی عملیات علیه جمهوری اسلامی موفق و بدون نقص بود و این عملیات فراتر از یک حمله بود. این حمله کاملاً بدون نقص و همانطور که شرکت سازنده بمب‌افکن بی ۲ بیان کرد، بدون حتی کوچکترین ایرادی انجام شد.» او همچنین در این سخنرانی مدعی شد که توانسته است هفت جنگ را تمام کند و در حال تلاش برای پایان دادن به جنگ روسیه در اوکراین است.

پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا که در زمان امضای این فرمان در اتاق بیضی شکل حضور داشت نیز گفت: «این فقط یک تغییر نام ظاهری نیست بلکه بازگشت و بازگرداندن آن چیزی است که ترامپ آن را هدایت کرد؛ بازگشت

گزارش دو

مرد جنگ یا صلح؟

درباره دونالد ترامپ که نام وزارت دفاع آمریکا را هم تغییر داد

روحیه جنگجویی و پیروزی، وزارت جنگ قرار است قاطعانه بجنگد، البته نه جنگ بی‌پایان، «هگست همچنین گفت: «ما قرار است حمله کنیم، نه فقط دفاع. حاکم‌اثر توان کشتار، نه قانون‌گرایی سست.»

اوپس از این فرمان اجرایی، عنوان خود را در شبکه‌های اجتماعی از وزیر دفاع به وزیر جنگ تغییر داد، بنا بر اعلامیه رسمی منتشرشده از سوی کاخ سفید، این فرمان اجرایی ترامپ، تمام وزارتخانه‌ها و نهادهای اجرایی دولت فدرال آمریکا را موظف می‌کند، در ارتباطات داخلی و خارجی خود از عنوان ثانویه «وزارت جنگ» نیز در کنار «وزارت دفاع» استفاده کنند.

همچنین، رئیس پنتاگون موظف شد که اقدامات لازم از جمله پیشنهادهای قانونی و اجرایی برای تغییر دائمی نام رسمی «وزارت دفاع ایالات متحده» به «وزارت جنگ ایالات متحده» را تهیه و ارائه کند. چراکه انجام این کار بدون مجوز کنگره امکان‌پذیر نیست. هم‌زمان، مایک لی، سناتور جمهوری خواه از ایالت یوتا و ریک اسکات، سناتور جمهوری خواه از فلوریدا به همراه گرگ استوب، نماینده جمهوری خواه مجلس نمایندگان از فلوریدا روز جمعه لایحه‌ای را برای رسمیت‌بخشیدن به این تغییر نام به کنگره ارائه کردند.

❖ بگانه وزارت جنگ در جهان

با به کار بردن نام وزارت جنگ برای پنتاگون به عنوان نام دوم این دستگاه دولتی، آمریکا تنها کشور جهان خواهد شد که از این عنوان برای چنین تشکیلاتی استفاده می‌کند. خود این کشور تا سال ۱۹۹۴ تشکیلاتی به نام وزارت جنگ داشت اما از این تاریخ، با تغییراتی که در ساختار نظامی آمریکا به وجود آمد، وزارت دفاع جای آن را گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم، با نام این وزارتخانه در کشورهای مختلف تغییر کرد یا تشکیلاتی که برای مدیریت شرایط جنگی با نام وزارت جنگ به وجود آمده بود، در وزارت دفاع ادغام شد و سازوکار جدیدی ایجاد کرد.

تاکید ترامپ بر صلح‌طلبی و اقدام او در تغییر نام وزارت دفاع در کنار تمرکز بر حمله، مورد توجه رسانه‌های مختلف قرار گرفت. چراکه ترامپ همواره خود